

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری

بررسی اقسام سه‌گانه‌ی نسخ در قرآن از سوی اهل سنت و بیان مناقشات محقق خویی(ره)
عرض کردیم مرحوم آقای خوئی(ره) انکار فرمودند نسخ به این معنایی را که اهل سنت قائل هستند که اهل سنت معتقدند مجرد وجود تنافی بین دو آیه سبب می‌شود که ما آیه لاحق را به عنوان ناسخ آیه سابقه قرار بدهیم و فرمایش ایشان را توضیح دادیم و برخی از اشکالاتی که به ذهن می‌رسید بر فرمایش ایشان، بیان کردیم.

بررسی دلائل نسخ در آیه 12 سوره مجادله

و بیان منقبت اختصاصی امیرالمؤمنین امام علی(ع)؛
قبل از اینکه دنباله‌ی اشکالات را بیان کنیم مناسب است این آیات سوره مجادله که یکی از مواردی است که در آن ادعای نسخ شده و اقوال هم در آن متعدد است آن را هم مطرح کنیم خصوصاً که حالا این ایام این تناسب را هم دارد که مصادف با ایام شهادت امیرالمؤمنین(ع) است یک تأملی در این آیات سوره مجادله داشته باشیم.

نظر مشهور خاصه و عامه

نسخ آیه 12 مجادله با آیه 13

در سوره مجادله در آیه دوازدهم خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ می‌فرماید: اگر شما مؤمنین بخواهید به صورت نجوا با پیامبر(ص) سخن بگویید قبل از نجوا یک صدقه‌ای را بدهید به یک فقیری که حالا آیه نمی‌گوید صدقه چقدر باشد، این اطلاق دارد و از آن عملی که امیرالمؤمنین(ع) انجام دادند که یک درهم بوده، حالا شاید کمتر از آن هم کافی بوده ولی اصل وجوب صدقه را آیه دلالت دارد. بعد می‌فرماید: (ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ) این خیر برای شماست، خیر است یعنی چون صدقه موجب ثواب است و به وسیله این صدقه شما به یک خیری می‌رسید و یک ثوابی می‌رسید و موجب طهارت نفس شماست. حالا این تناسب چیست که اگر صدقه بدهند برای نجوا موجب طهارت می‌شود، اینجا هم احتمالاتی وجود دارد و آنچه که به ذهن می‌رسد این است که:

«احتمال اول»: اگر صدقه دادند بگوئیم که اینها در نجوایشان دقت می‌کنند مسائلی که لازم است را با پیامبر اکرم(ص) مطرح می‌کنند، از فضولات مسائل، از کلام‌های زائد و از کلام‌هایی که موجب تکدر گوینده و شنونده می‌شود، از اینها اجتناب می‌شود.

«احتمال دوم»: یا صدقه این اثر را دارد که اگر انسان صحبت می‌کند اثر می‌گذارد، صحبتش صحبت صحیحی باشد و اثرگذار هم باشد.

بعد در ذیل می‌فرماید (فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) این صدقه برای این است که آنهایی که پول دارند صدقه بدهند اما اگر کسی فقیر است و می‌خواهد با پیامبر اکرم(ص) نجوا داشته باشد او واجب نیست صدقه بدهد.

و در آیه 13 خداوند متعال می‌فرماید: (أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) ترسیدید که شما قبل از نجوایتان صدقه بدهید؟! این «أَشْفَقْتُمْ» ظهور در این دارد که تمام یا غالب افراد، این دستور صدقه را برای نجوا عمل نکردند و الا اگر عده‌ای عمل کرده بودند و عده‌ای عمل نکرده بودند خطاب (أَشْفَقْتُمْ) درست نبود، ظهور در این دارد که غالباً عمل نکردند، می‌فرماید: (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا) حالا که عمل نکردید «وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ» خدا(تبارک و تعالی) هم رجوع کرد بر شما، یعنی توبه‌ی شما را پذیرفت، می‌فرماید: (فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) اینجا کثیری از مفسران خاصه و عامه قائل شدند که این آیه 13 ناسخ آیه 12 است، چه اینکه در این زمینه روایاتی وجود دارد، هم در کتب روایی خاصه و هم در کتب روایی عامه و مرحوم آقای خوئی(ره) می‌فرمایند این روایات در بین فریقین به حد استفاضه هم رسیده، یکی و دو تا نیست! بر اینکه این آیه مبارکه دوازدهم وقتی نازل شد «لم يعمل بها غير علي(ع)» فقط امیرالمؤمنین(ع) انجام داد، حالا در حالی که باز امیرالمؤمنین(ع) جزء گروه اغنیاء هم نبود، ولی امیرالمؤمنین(ع) انجام داد، یک دینار را حضرت(ع) تبدیل کرد به ده درهم برای هر نجوایی یک درهم صدقه داد، حالا یک بحثی واقع شده که این آیه‌ی اولی مدت زمانش چه مقدار بوده است؟ که در این باره سه قول وجود دارد که عبارتند از:

قول اول:

یک ساعت بوده است.

قول دوم:

یک شبانه‌روز بوده است.

قول سوم:

ده شبانه‌روز بوده است.

که به نظر می‌رسد، بعید نیست از این عمل امیرالمؤمنین(ع) استفاده شود که همین قول سوم درست است که ده شبانه‌روز بوده، هر روز امیرالمؤمنین(ع) برای یک نجوا صدقه می‌دادند و الا برای یک ساعت ده تا صدقه آن هم ده تا نجوا یک مقداری دور از ذهن است.

بررسی

چند مطلب پیرامون آیه 12 مجادله

حال چند مطلب را باید توجه کنیم:

مطلب اول:

بررسی احادیث فریقین درباره تنها عامل به این آیه:

الف احادیث خاصه

احادیثی که در کتب فریقین وجود دارد باید توجه شود، یک حدیث را که مرحوم مجلسی(ره) در کتاب «بحار الانوار» در جلد 31 صفحه 432 دارد، آنجا امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: اصحاب پیامبر(ص) می‌دانند که در میان آنها کسی به مثل من، مناقب مختصه ندارد، خود امیرالمؤمنین(ع) این مطلب را تصریح کردند که می‌فرمایند: اصحاب رسول خدا(ص) خودشان می‌دانند که در بین اینها من هفتاد ویژگی دارم که در میان هیچ یک از این اصحاب این هفتاد ویژگی وجود ندارد، یک روایت مفصلی است که شاید در کتاب «بحار الانوار» حدود دوازده صفحه باشد که مناقبی که خود امیرالمؤمنین(ع) بیان می‌کند که در اشخاص دیگر وجود ندارد، در آنجا ذکر شده. آن وقت در میان این مناقب در مناقب بیست و چهارم حضرت می‌فرماید: «فإن الله عز و جل أنزل علی رسوله إذا ناجیت» این آیه شریفه را نازل فرمود «فکان لی دینارٌ فبعته بعشر دراهم» من یک دینار داشتم که به ده درهم فروختم «فکنتم إذا ناجیت رسول الله أتصدق قبل ذلک بدرهم» وقتی می‌خواستم با پیامبر(ص) خصوصی صحبت کنم صدقه می‌دادم به یک درهم و بعد فرمود «و الله ما فعل هذا أحدٌ غیری من اصحابه» احدی غیر از من از اصحاب رسول خدا(ص) این کار را انجام نداده، «قبلی و بعدی» بعد از من هم کسی انجام نداد «فأنزل الله عز و جل أَلْأَشْفَقْتُمْ» خود امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: چون مردم هیچ کدام انجام ندادند و فقط من انجام دادم خدای تبارک و تعالی آیه 13 را نازل فرمود که شما ترسیدید که صدقه بدهید مال‌تان کم شود! این روایت در بحار هست.

ب. روایات عامه

در تفسیر طبری «جامع البیان عن تاویل القرآن» محمد بن جریر بن یزید طبری (225-310 هـ) به اسناد خودش از مجاهد نقل می‌کند «قال علی(رضی الله عنه) آیه من کتاب الله لم يعمل بها أحدٌ قبلی و لا يعمل بها أحدٌ بعدی» چون بعد از آن نسخ شده، حضرت علی(ع) فرمود: آیه‌ای در قرآن است که قبل از من کسی به این آیه عمل نکرده و بعد از من هم کسی عمل نمی‌کند، بعد می‌فرماید یک دینار داشتم به ده درهم تبدیل کردم هر دفعه خواستم صحبت کنم صدقه دادم، در اینجا دارد «فَنُسَخَتْ»، یعنی در این نقل طبری خود امیرالمؤمنین(ع) فرمود آیه دوازدهم منسوخ واقع شد.

باز در کتب اهل سنت، محمد بن علی بن محمد شوکانی صنعانی (1173-1250 هـ) می‌گوید «و أخرج عبدالرزاق و... و ابن المنذر و ابن ابی حاتم» و برخی دیگر «عن علی بن ابیطالب(ع) یقال» یعنی خود روات اهل سنت هم از امیرالمؤمنین(ع) نقل کردند «ما عمل بها أحدٌ غیری حتّی نُسَخَتْ» تا اینکه این آیه نسخ شد. البته در این نقل دارد «و ما کان لله ساعة» یعنی آیه نجوا فقط همین یک ساعت ظرف عمل او بود.

مطلب دوم:

تبیین سه نظریه پیرامون آیه 12 مجادله
حالا اینجا سه نظریه در آیه شریفه وجود دارد:

نظریه‌ی نسخ آیه 12 با آیه 13 مورد پذیرش محقق خویی(ره)

یک نظریه این است که آیه سیزدهم، ناسخ آیه دوازدهم است و مرحوم آقای خوئی(ره) این نظر را پذیرفتند و می‌فرمایند این از همان قسم نسخی است که ما پذیرفتیم، کدام قسم؟ ایشان فرمودند: اگر یک آیه‌ای با آیه دیگر تنافی داشته باشد و آیه دوم و متأخره، ناظر به آیه متقدمه هم باشد و مبین رفع آن حکم باشد، یعنی رافع آن حکم در آیه متقدمه باشد، فرمودند ما اینجا نسخ را می‌پذیریم و این خصوصیات را می‌فرمایند در این آیه سیزدهم و دوازدهم وجود دارد، لذا می‌فرمایند ما نسخ در اینجا را می‌پذیریم و می‌فرمایند: «فلا مناص من الالتزام بالنسخ»، آن وقت بعد در تحقیق مطلب می‌فرمایند:

اولاً:

آیه دلالت دارد بر اینکه صدقه قبل از نجوای با پیامبر(ص) «خیرٌ و تطهیرٌ للنفوس»، این یک.

ثانیاً:

می‌فرمایند این «هذا مما يستقل العقل بحسنه و يحكم الوجدان في صحته» برای اینکه این صدقه یک نفعی است برای فقرا، اولاً نفعی است برای فقرا و ثانیاً اغنیاء مثل قبل، هر لحظه می‌آمدند پیش پیامبر(ص) و وقت ایشان را می‌گرفتند می‌خواستند خصوصی صحبت کنند یک مقداری «تخفيفٌ للنبي(ص)» شد، پیامبر(ص) یک مقدار از این وضع راحت شدند.

ثالثاً:

این مطلب «اختصاص بوقت دون وقت» دیگر ندارد، یعنی ملاکی در باب وجود صدقه است، یک ملاک موقت نبوده! این چون «مما يستقل به العقل» بوده و این ملاک همیشه وجود دارد، تا آخر زمان حیات رسول خدا(ص) هم این ملاک هست که اگر اینها بروند صدقه بدهند: «خیرٌ و کان اطهر»، اینطور نبوده که یک حکم موقتی باشد و وقتش تمام شده باشد و این «الْأَشْفَقُ» هم دلالت دارد که عامه مسلمین این دستور خدا(تبارک و تعالی) را اطاعت نکردند برای اینکه «حرصاً علی المال»، بالأخره اگر روزی چند بار می‌خواستند صدقه بدهند ببینند که مالشان کم می‌شود «حرصاً علی المال» این کار را نکردند.

محقق خویی(ره): ملاک در وجوب صدقه اختصاص به زمان خاص ندارد و جعل حکم صدقه از باب اتمام حجت بوده

لذا محقق خویی(ره) نتیجه می‌گیرد که ملاک در صدقه ملاک عام است و اختصاص به یک زمانی ندارد و بعد نسخ شده و نسخ را هم می‌پذیرد، بعد این سؤال را مطرح می‌کنند که خدای تبارک و تعالی که می‌دانست مردم به این دستور عمل نمی‌کنند چرا این دستور را داد؟! خدا(تبارک و تعالی) می‌دانست که اینها به این فرمان گوش نمی‌کنند و می‌دانست که اینها «خوفاً و طمعاً للمال» این کار را نخواهند کرد، چرا این دستور را داد؟ می‌فرماید جعل این حکم، از باب اتمام حجت بوده، برای اینکه خدا تبارک و تعالی اثبات کند که شما صحابه اگر می‌آید درگوشی با رسول خدا(ص) صحبت می‌کنید، اینطور نیست که واقعاً یک علاقه خاصی به رسول خدا(ص) داشته باشید و شاهدش هم این است که اگر واقعاً علاقه خاصی به رسول خدا(ص) دارید ببینید آیا حاضرید از مال‌تان بگذرید؟ ولی نگذشتند، یعنی اینها حبّ مال را بر حبّ مناجات و نجوای با رسول خدا(ص) ترجیح دادند، خدا(تبارک و تعالی) هم خواست همین را اثبات کند، راه دیگری نبود! اگر همینطوری می‌فرمود شما در درون‌تان خیلی به رسول خدا(ص) حب ندارید و دروغ می‌گویید که حب به رسول خدا(ص) دارید، این قابل اثبات برای مردم نبود، راهی که این مسئله اثبات شود همین بود که تمام صحابه حاضر نشدند این کار را انجام بدهند فقط امیرالمؤمنین(ع) حاضر شد و خدا(تبارک و تعالی) اتمام حجت کرد و به آنها فهماند که شما حبّ به رسول خدا(ص) ندارید!

محقق خوئی(ره) در ادامه می‌فرمایند: ما قبول داریم مناجات با رسول خدا(ص) و نجوا واجب نبوده، مستحب هم نبوده! ولی اینها روش‌شان این بود که قبل از نزول این آیه همینطور می‌آمدند می‌رفتند خدمت رسول خدا(ص) و شروع می‌کردند خصوصی و درگوشی صحبت کردن، خدا می‌خواست به اینها بفهماند که شما «حِبَّاً لِرَسُولِ اللَّهِ(ص)» این کار را نمی‌کنید.

در میان خود ما و در عصر حاضر نیز هست اگر یک کسی بخواهد بگوید من به فلانی خیلی مَقَرِّم، سعی می‌کند در انتظار مردم برود درگوشی با او صحبت کند و آن هم گوش می‌کند و مردم هم نگاه می‌کنند و این خودش کسب اعتباری می‌شود برای آن شخص! بنابراین اینها این کار را می‌کردند و وقتی آیه نازل شد، دست کشیدند و نرفتند با پیامبر(ص) نجوا کنند! یعنی معلوم شد که مسئله حب مال را ترجیح می‌دهند بر نجوای با رسول خدا(ص). پس این یک نظریه بود که بگوییم اینجا مسئله نسخ مطرح است،

نظریه‌ی دوم:

نظریه‌ی رد نسخ و امتحانی بودن امر به صدقه، مختار برخی از محققین این است که این آیه دوازدهم یک امر امتحانی بود یعنی امر واقعی نبود مثل قضیه‌ی حضرت ابراهیم(ع) بود یک امر صوری و امتحانی بود، یعنی واقعاً در اینجا یک حکم واقعی به عنوان وجوب صدقه جعل نشد، بلکه این یک امر امتحانی بود و در نتیجه مسئله‌ی نسخ در اینجا دیگر معنا ندارد. برخی هم این نظریه را در اینجا دارند که عرض کردیم.

مناقشه بر نظریه دوم از منظر مختار:

اینجا دو ملاک بیان شده است پس جزو اوامر امتحانی نیست اما آنچه مهم است خدا تبارک و تعالی می‌فرماید: **(ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ)**، چطور می‌توانیم بگوییم امتحانی است، وقتی می‌فرمایند صدقه خیر برای شماست و اطهر دو تا ملاک برایش ذکر کرده، ما در اوامر امتحانیّه در فقه ملاک نداریم در نفس صدور امر از ناحیه امر ملاک وجود دارد، اما در این آیه می‌فرماید در صدقه دادن خیر است و موجب تطهیر نفوس شماست؛ لذا تردیدی نیست که اصلاً مسئله‌ی امتحانی بودن اینجا مطرح نیست.

نظریه‌ی سوم:

نظر آیت الله معرفت(ره) در رد نسخ آیه 12

یک مطلبی هم مرحوم آقای معرفت(ره) در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» دارند و آن این است که یک مطلبی را از سید قطب نقل می‌کند از «فی ظلال القرآن الکریم» در جلد هشتم صفحه 21؛ سید قطب می‌گوید: «کذلک يعلم القرآن الکریم الجماعة المسلمة ادباً فی علاقتهم برسول الله(ص) فیبیدو أنه کان هناك تراحم علی الخلوة برسول الله(ص) لیحدّثه کل فردٍ فی شأنٍ یخصّه و يأخذ فیهِ توجیهه و رأیه أو لیستمع بالانفراد به» بعد خود ایشان بعد از اینکه کلام سید قطب را نقل می‌کند هم قبل و هم بعد از آن می‌گوید این آیه یک تربیتی است برای همه‌ی مسلمان‌ها نسبت به همه‌ی اولیاء امور و مراجعاتشان در تمام ازمینه، که مسلمان‌ها تنبّه پیدا کنند به این ادب سیاسی در سلوکشان با اولیاء امورشان و در ذیلش هم می‌فرماید «لتبقى دستوراً عاماً» بعد هم می‌فرماید: پس اصلاً نسخی در کار نیست و آیه نسخ نشده. خدای تبارک و تعالی یک دستور عام داده منتها در مورد پیامبر(ص) عده‌ای عمل کردند یعنی امیرالمؤمنین(ع) عمل کرد و بقیه عمل نکردند ولی این دستور هنوز هم باقی است، دستور عام است یک ادب اجتماعی امت با امام، رعیت با حاکم می‌گوید ادب این چنین است.

به نظر ما این فرمایش، خیلی دور از تحقیق است! این از ویژگی‌های رسول خدا (ص) است، خدای تبارک و تعالی حتی این مطلب را در مورد امیرالمؤمنین (ع) که وصی رسول خدا (ص) هم هست نمی‌گوید، این از ویژگی‌های رسول خدا (ص) بود که اگر کسی می‌خواهد با رسول خدا (ص) نجوا کند صدقه بدهد، اما از کجا این اختصاص فهمیده می‌شود؟ از اینجا که آیه تصریح دارد به اینکه (إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ) نه رسول به عنوان حاکم، یعنی این رسول معین، این شخص معین، (فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ) از کجای آیه استفاده می‌شود «الی یوم القیامة»؟! مردم هر زمانی بخواهند با حاکم‌شان نجوا کنند باید صدقه بدهند؟ حتی این مطلب را درباره ائمه معصومین (علیهم السلام) هم نمی‌توانیم استفاده کنیم.

مطلب سوم:

تعصب مکشوف در کلام فخر رازی و برخی از مفسرین اهل سنت، در تفسیر این آیه مرحوم آقای خوئی (ره) در دنباله فرمایش‌شان تحت عنوان «تعصب مکشوف»، یعنی یک کار تعصب‌آمیز خیلی واضحی را از فخر رازی مطرح می‌کند، اهل سنت اینجا گیر می‌کنند برای اینکه در کتب روایی آنها آمده «لم یعمل» به این آیه «أحد الا علی بن ابیطالب (ع)»؛ سؤال این است که بقیه صحابه رسول خدا (ص) چرا به این آیه عمل نکردند؟ آری اهل سنت در پاسخ به این اشکال گرفتار می‌شوند؛ اما فخر رازی برای اینکه جواب این مسئله را بدهد یک توجیهی کرده که واقعاً خیلی عجیب است و به تعبیر مرحوم آقای خوئی (ره) تعصب مکشوف است، فخر رازی می‌گوید:

اولاً:

«ذلک الإقدام علی هذا العمل إما یضیق قلب الفقیر»، فقرا می‌بینند که اغنیاء پول دارند و صدقه می‌دهند و نجوا می‌کنند یک مقدار موجب ضیق قلوب آنهاست این یک.

ثانیاً:

«و یوحش قلب الغنی»، غنی هم یک مقدار به وحشت می‌افتد که من هر بار بخوام نجوا کنم صدقه بدهم، غنی است و برای سر سوزن مالش خیلی زحمت کشیده به اعتقاد خودش! «فإنه لما لم یفعل الغنی ذلک و فعله غیره»، وقتی غنی انجام نداد و غیر غنی انجام داد این موجب طعن در اغنیاء شد، در نتیجه «هذا الفعل» یعنی اینکه امیرالمؤمنین (ع) آمد صدقه داد، «سبباً لحزن الفقراء و وحشة الاغنیاء» آن وقت می‌گوید این کار در حقیقت ترکش رجحان دارد، چرا؟ «لأن الذی یكون سبباً للالفة أولى مما یكون سبباً للوحشة»، ترک صدقه سبب هم‌رنگی همه می‌شود، همه یک‌جور می‌شوند، صدقه دادن موجب وحشت می‌شود، لذا می‌گوید خدای تبارک و تعالی روی همین جهت آمد نسخ کرد، چون صدقه دادن موجب وحشت و ترکش موجب الفت می‌شود که این از آن اجتهادهای در مقابل نص و کاسه‌ی از آتش داغ‌تر همین است.

رد ادعای فخر رازی از منظر مختار:

به نظر می‌رسد آدمی که ادنی اطلاعی بر کلام خدا (تبارک و تعالی) دارد نباید چنین حرفی بزند، اصلاً فرض کنید ما روایتی هم در این زمینه از اهل سنت نداریم، به جناب فخر رازی باید گفت «أَأَشْفَقْتُمْ» را چکار کنیم؟ این فراز در کتاب خداست، اصلاً

سرزنش خداست، یعنی این کار ملاکی داشته، ملاک خوبی هم داشته، باید مردم عمل می‌کردند اما «خوفاً و طمعاً للمال» خوف اینکه مالشان کم شود و به طمع اینکه مالشان باقی بماند این کار را نکردند، این کتاب خدا را چه می‌کنید؟ بنابراین عرض می‌کنم که این توجیه فخر رازی درست نیست. در آخر روایتی را از عبدالله بن عمرو نقل می‌کنند که در کتب اهل سنت آمده که عبدالله بن عمر می‌گوید: سه چیز از اختصاصات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) بوده که یکی از آنها را همین مسئله‌ی قضیه صدقه در آیه نجوا قرار داده.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین